



### طرح پیشگیری از معلولیت

معاون امور توسعه پیشگیری اداره کل بهزیستی استان تهران گفت: «در طرح پیشگیری از معلولیت‌ها، طرح پیشگیری از معلولیت‌های سالمندی را برای سالمندان داریم، همچنین پیشگیری از معلولیت در جامعه زنان سرپرست‌خانوار را داریم و شناسایی این افراد و ارائه خدماتی برای پیشگیری از معلولیت‌ها در این زنان از برنامه‌های ماست.» علیرضا محمدی در ادامه درباره طرح غربالگری شنوایی بین نوزادان، همچنین کودکان ۳ تا ۵ سال به اینها گفت: «غربالگری شنوایی و بینایی از برنامه‌های ثابت ما هستند و این فعالیت‌ها در سطح استان همزمان با اجرای آن در سطح کشور انجام می‌شود. در حال حاضر نیز برای نوزادان و کودکان ۵ تا ۶ سال، غربالگری شنوایی انجام می‌شود. از ابتدای سال تاکنون، غربالگری شنوایی ۱۰ هزار کودک ۳ تا ۵ سال در استان تهران انجام شده و همچنان تا پایان سال این طرح ادامه دارد.»



### تنفسی ۲۱ روز هوای نامطلوب

براساس اعلام شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، در آذرماه تهرانی‌ها ۱۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس و چهار روز هوای ناسالم تنفس کردند. به گزارش ایسنا، آمار شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد که آذرماه امسال شهروندان تهرانی یک‌روز هوای پاک، هشت‌روز هوای قابل‌قبول، ۱۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس و چهار روز هوای ناسالم تنفس کردند. ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون ۲۰ روز آلاینده شاخص بود. کیفیت هوای تهران در آخرین ماه پاییز سال ۱۴۰۱، شش‌روز در شرایط قابل‌قبول، ۱۶ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و هشت‌روز ناسالم ثبت شد. ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون طی ۲۴ روز آلاینده شاخص هوای تهران بود. آمار شرکت کنترل کیفیت هوای تهران نشان می‌دهد که کیفیت هوای پایتخت طی آذرماه سال ۱۴۰۰، نسبت به مدت مشابه سال ۹۹، تعداد روزهای آلوده بیشتری را داشت چراکه کیفیت هوای تهران طی آذرماه سال ۱۴۰۰، چهار روز در وضعیت قابل‌قبول، ۲۱ روز ناسالم در شرایط برای گروه‌های حساس و پنج‌روز در وضعیت ناسالم برای همه گروه‌ها قرار داشت. آلاینده ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون علت آلودگی هوای طی ۳۰ روز آذرماه این سال بود.



### توضیح درباره پوشش بیمه معتادان

مدیرعامل بیمه سلامت ایرانیان درباره پوشش بیمه‌ای افراد دارای اعتیاد گفت: «افرادی که به مراکز سرپایی تحت پوشش بیمه سلامت مراجعه می‌کنند، داروها و ویزیت‌شان تحت پوشش بیمه است.» محمدمهدی ناصحی در توضیح بیشتر به اینها ادامه داد: «البته مصوبه‌ای هم در معاونت درمان و سازمان غذا و دارو وجود دارد که باید از آنها پیگیری کنیم. افرادی هم که در کمپ هستند و دارای شناسنامه، به ما معرفی می‌شوند و ما آن‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهیم. افراد مجهول‌الیهو نیز با هماهنگی بهزیستی تحت پوشش قرار می‌گیرند.» او گفت: «هر دارویی که از سوی سازمان غذا و دارو به ما ابلاغ می‌شود، ما ماباه تفاوت را پرداخت می‌کنیم. گاهی اوقات به ما مابه تفاوت و تغییر قیمت ابلاغ نمی‌شود؛ ما هم نمی‌توانیم تصمیم بگیریم و باید به ما ابلاغ شود تا بلافاصله آن دارو را تحت پوشش قرار دهیم.»

# زنان «متوسط» فقیر و در حاشیه

## در نشست تخصصی زنان و کارآفرینی اجتماعی چالش‌های پیش‌روی استقلال اقتصادی زنان بررسی شد



عکس: ستاره کاظمی-هم‌تپهن

در ادامه به نتایج مهم این پژوهش از مداخله‌گری سمن‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «با وجود تلاش‌های بسیار از سوی آن‌جی‌اوه‌ها، اما این اقدامات منجر به تغییر واقعی وضعیت اقتصادی زنان نشده و ما هم دنبال پاسخ به این سوال بودیم که به چندین یافته رسیدیم. یافته اول این بود: سمن‌هایی که درباره زنان کار می‌کنند، مسئله آنها طبقه فرودست و پایین‌تر از آن است و به‌همین دلیل رویکرد خیریه‌ای دارند، نه اقتصادی. آنها تلاش می‌کنند کودکان و زنان فرودست را از فلاکت اقتصادی نجات دهند، به‌همین دلیل جدال برای بقاست، نه توانمندسازی. حتی زمانی که چیزی تولید می‌شود، در این باره بازار چه خیریه تشکیل می‌دهند.» به گفته آزاد، یافته دیگر این بود که سمن‌ها مسیرشان به وضعیت اقتصادی زنان غیرمستقیم است و هیچ‌کدام به‌دنبال تغییر وضعیت اقتصادی زنان در خانواده نبوده‌اند: «اغلب سمن‌ها از یک‌مسیر غیرمستقیم به زنان می‌رسند، به‌عنوان مثال روی کودکان کار، اعتیاد و... بررسی می‌کنند و در نهایت به این گروه رسیده‌اند به‌همین دلیل از ابتدا مسئله اقتصادی زنان در دستور کارشان قرار نداشته‌است. آن‌هم در حالی که اولویت همیشه، نیازهای اولیه این زنان بوده و به تأکید فعالان سمن‌ها افراد تحت پوشش هیچ زمانی گرسنه نمی‌مانند چون خیرین همیشه غذاهای آنها را می‌دهند. اما اگر حرف از آموزش یا راه‌اندازی یک فعالیت اقتصادی باشد، آن‌هم زمان کار سخت می‌شود. چون نه‌تنها خیرین پول نمی‌دهند که شهرداری‌ها هم ساختمان‌هایی که برای این کار در اختیار آنها قرار داده‌اند را پس می‌گیرند. در واقع مسئله تأمین مالی برای سمن‌ها تعیین‌تکلیف می‌کند و مسیر آن متفاوت از توانمندسازی اقتصادی است.» این پژوهشگر اجتماعی تأکید می‌کند که سمن‌ها در تعریف خودشان با دولت هم دچار چالش هستند و در این باره توضیح می‌دهد: «سمن‌ها به دولت وابسته‌اند، چون مجوزشان را از آنها می‌گیرند، دریافت برخی امکانات و مجوزهای کاری در برخی مناطق هم درگیر همین شرایط دولتی است. این در حالی است که سمن‌ها مطالبه‌گرند اما این مطالبه‌گری به همان دلایل وابستگی به بخش دولتی ناقص می‌ماند. ازسوی دیگر در تمام سمن‌ها ضعف ساختاری و دانشی نسبت به مسئله اقتصادی وجود دارد، چون به‌دلیل فشاری که تحمل می‌کنند، بنده کاری آنها عموماً داوطلبانه است و در این باره نمی‌توانند داوطلبی را انتخاب کنند که منجر به توسعه کسب‌وکار یا چینش ساختار اقتصادی شود.»

### جرخ خیاطی، تنها طرح توانمندسازی زنان

«در سمن‌ها الگوهای توانمندسازی تکراری‌اند و در طول پژوهش تقریباً هیچ ایده متفاوتی جز جرخ خیاطی برای توانمندسازی زنان مشاهده نشد.» این نکته دیگری است که آزاد به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «البته شمع‌سازی، گل‌سازی، غذاپختن و... هم در زیرمجموعه قرار می‌گیرد اما تمام اینها کارهایی هستند که نیاز به مهارت‌های بسیار کم دارد و برای زنان فرودست، بدون مهارت و بدون سواد برنامه‌ریزی شده‌اند. در حالی که همین زنان می‌توانند کارهای دیگری انجام دهند و مدل‌های مختلف تولید اقتصادی داشته‌باشند. اما تقریباً در تمام سمن‌ها شاهد همان الگوی تکراری و تمرکز بر حوزه‌های کم‌مهارت هستیم.»

### مقاومت در برابر نقش آفرینی زنان

او مسئله دیگری که سمن‌ها با آن مواجه‌اند را مقاومت مردان در برابر نقش آفرینی اقتصادی زنان می‌داند و توضیح می‌دهد: «این افراد شامل مردان خانواده، جامعه و حتی سیاست‌گذاران هستند. بسیاری از سمن‌ها تأکید می‌کنند که درباره زنان پس از استقلال مالی و کسب درآمد، همسران‌شان منتقدند. مطالعات هم نشان می‌دهد که سمن‌ها به‌عنوان مداخله‌گران به‌طورکلی زنان طبقه متوسط را کنار گذاشته و تحت حمایت ندارند. در حالی که زنان این طبقه مشکلات اقتصادی زیادی دارند، در خانواده فقیر هستند و مهارت اقتصادی ندارند. مصداق این شرایط وضعیت اشتغال رسمی زنان است که تنها ۱۲/۸ درصد عنوان می‌شود و به این معناست که نزدیک ۸۰ درصد زنان کشور، خاندار به‌شمار می‌روند. سمن‌ها مشغول فوریت‌های اقتصادی هستند تا مداخله‌های طولانی مدت و چون خودشان را در موقعیت طبقه فرودست بسیار پایین تعریف کرده‌اند، زنان طبقه متوسط به‌طورکلی حذف شده‌اند.»

به گفته آزاد، مشکل دیگر اینجاست که سمن‌ها با هم اجتماع و مشارکت مؤثری ندارند. «در تهران با ۲۷ آن‌جی‌اوه‌ها مصاحبه کردیم و نشان داد که همه آنها به‌صورت تک‌تک اقدامات مؤثری دارند اما شبکه‌ای میان آنها نیست، به‌همین دلیل نیروی هم‌افزا ندارند و مطالبه‌گری هم شکل نمی‌گیرد. بنابراین حتی در مطالبه‌گری هم با وجود تمام زحمات و تلاش‌ها، ضعف بسیاری وجود دارد.» این پژوهشگر اجتماعی به پیشنهاد بسته‌های حمایتی در پایان این پژوهش هم اشاره و عنوان می‌کند: «در این باره سه اصل در نظر گرفته شد: اول این که زن‌ها در استراتژی اقتصادی به دنبال تنش نیستند و ما هم آنها را به مسیر تنش‌های بزرگ سوق نمی‌دهیم. دو اصل دیگر هم استقلال از دولت و نهادهای عمومی و همه‌جانبه بودن آن است. همه‌جانبه بودن به این معنا که زنان تنها با توانمندسازی اقتصادی دچار تغییر نمی‌شوند و باید در تمام جوانب این مسئله رخ دهد. همان‌نگاه مردان به کسب درآمد زنان. در حقیقت یک تغییر وضعیت اقتصادی تک‌الگوی وضعیت زنان را بهتر نخواهد کرد.»

او ادامه می‌دهد: «از جمله پیشنهادها می‌توان این است که درباره زنان آموزش عمومی و فراگیر درباره اقتصاد وجود داشته‌باشند، چون زنان از قانون مطلع نیستند و فرصت‌هایی که دارند را نمی‌شناسند. ازسوی دیگر زنان در جامعه ماتریت می‌شوند برای آنکه تأمین شوند و به‌همین دلیل در زمینه اقتصادی آنها مشکلات زیادی وجود دارد و حتی خود آنها هم در زمان کار کردن تصور می‌کنند که کار اضافی انجام می‌دهند.» آزاد درباره دیگر پیشنهادها هم می‌گوید: «طراحی الگوهای درآمد‌های خانگی متنوع و بسته‌های سرمایه‌گذاری کوچک برای زنان خانه‌دار هم مطرح است. همچنین شبکه ارتباطی زنان در

و... مواجه‌اند. عجیب‌ترین این که در طرح‌های حمایتی هم زنان طبقه متوسط به‌طورکلی از این برنامه‌ها حذف شده و با محوریت زنان فرودست و طبقه بسیار پایین تنها راه نجات همچنان جرخ خیاطی است، نه توانمندسازی‌شان در حوزه‌های مختلف.

### فقیر و در حاشیه

جدیدترین پژوهش درباره وضعیت اقتصادی زنان، پژوهشی طی ۳ سال در ۳ محور بررسی تفصیلی قانون و رویه‌های اجرایی، تجربه زیسته زنان از نظر اقتصادی و تجربه مداخله‌گران انجام شده و برای اولین بار در نشست تخصصی زنان و کارآفرینی اجتماعی بخشی از جزئیات این پژوهش اعلام شد. به گفته نفیسه آزاد، پژوهشگر اجتماعی هدف از انجام این پژوهش این بود که در نهایت منجر به تدوین سیاست‌هایی برای تغییر وضعیت شود. به گفته این پژوهشگر، بخش مصاحبه‌ها را زهراتوحیدی انجام داده که اکنون در زندان به‌سر می‌برد و خود او هم بخش‌های تحلیلی را برعهده داشته‌است. او درباره جامعه‌هدف این پژوهش می‌گوید: «بخش مطالعات اقتصادی نزدیک یک‌سال طول کشید و در این باره ۴۰ مصاحبه از زنان خانه‌دار و شاغل شهری از طبقات اقتصادی مختلف و تمام‌دهک‌ها گرفته شد. زنان حاشیه‌ای و زنان روستایی در این مصاحبه‌ها حضور نداشتند چون وضعیت آنها متفاوت است.» به گفته آزاد، در بخش تجربه مداخله‌گران، سه گروه هستند که در وضعیت اقتصادی زنان مداخله می‌کنند: اول سمن‌ها که با زنان در ارتباط هستند، دوم نمایندگان مجلس و معاون ریاست جمهوری که در یک پست کلیدی اختیار خود اخله در وضعیت زنان را دارند و سوم هم انجمن‌های کسب‌وکار. براساس اعلام او، مطالعات نشان می‌دهد زنان در خانواده، فقیرترین عضوند و فرقی نمی‌کند که خانواده در چه طبقه اجتماعی‌ای قرار دارد، در هر صورت آنها کمترین پول مستقل را در اختیار دارند. آزاد

### در سمن‌ها الگوهای توانمندسازی تکراری‌اند و در طول پژوهش تقریباً هیچ ایده متفاوتی جز جرخ خیاطی برای مشاهده‌نشده‌اند. اینها کارهایی هستند که نیاز به مهارت‌های بسیار کم دارد و برای زنان فرودست، بدون مهارت و بدون سواد برنامه‌ریزی شده‌اند. در حالی که همین زنان می‌توانند کارهای دیگری انجام دهند و مدل‌های مختلف تولید اقتصادی داشته‌باشند

زنان تقریباً فقیرترین عضو خانواده‌اند، حتی اگر مملکت طبقه‌بندی‌های اقتصادی کشور همین ۱۰ دهک اعلام شده در نظر گرفته شود، باز هم در هر دهک آن کسی که فقیرترین عضو خانواده است، همین زنان هستند؛ همان‌هایی که اگر دست‌شان در جیب خودشان هم باشد، باز هم از سایر حقوق‌شان محرومند. این در حالی است که جامعه ایرانی دختران و مادران آینه‌دار به‌گونه‌ای تربیت می‌کنند تا تنها از سوی مردان تأمین شوند و حتی فعالیت‌های خیرخواهانه درباره این اقشار آسیب‌پذیر هم هیچ زمانی در جهت توانمندسازی آنها برای اشتغال و کسب‌وکار نبوده و همیشه به مسیر تأمین نیازهای اولیه‌شان منتهی شده‌است، به اعتقاد فعالان این حوزه: «کودکان و زنان نیازمند هیچ زمانی گرسنه نمی‌مانند اما زمانی که حرف از آموزش می‌شود، کسی حمایت نمی‌کند.» آمارها هم همین مسئله را نشان می‌دهند، مشارکت رسمی اقتصادی زنان در ایران حدود ۱۲ درصد است و این یعنی تقریباً ۸۸ درصد زنان به نوعی خانه‌نشین و خانه‌دارند. در نشست تخصصی زنان و کارآفرینی اجتماعی که هفته گذشته در اتاق بازرگانی ایران و با تلاش انجمن زنان کارآفرین برگزار شد، مهم‌ترین میسر شد تا از یک‌سو بود که با بهره‌گیری از کارآفرینی اجتماعی میسر شد تا از یک‌سو توانمندسازی زنان برای اشتغال و ازسوی دیگر مشارکت‌های اجتماعی و ارزش‌افزوده برای جامعه محقق شود. برای اولین بار در این نشست بخشی از نتایج یک پژوهش درباره وضعیت اقتصادی زنان هم اعلام شد که نشان می‌داد زنان برای توانمندشدن با معضلاتی از جمله نگرانه مردانه اشتغال، مقاومت در برابر نقش آفرینی اقتصادی زنان، الگوهای تکراری توانمندسازی، کارهای کم‌مهارت